

هو المشرق من افق سماء البيان باسمه الرحمن

انشاء الله بعنایت حقّ جلّ جلاله از رحیق عرفان بیاشامی و بافق اعلیٰ ناظر باشی نامهات بتوسط عبد حاضر رسید و آنچه در او مسطور بود نزد مظلوم ذکر نمود از حقّ میطلبیم سمع جدید و بصر حدید بآن جناب عطا فرماید چه که فی الحقیقه امروز روز مشاهده و اصغا است هم ندای الهی مرتفع است و هم انوار وجه از افق ظهور مشرق و لائح باید جمیع آنچه شنیده شد محور نمود و بعدل و انصاف در آیات و بیّنات و ظهورات ناظر شد امروز عظیم است چه که در جمیع کتب بیوم الله معروف جمیع انبیا و اصفیا طالب لقای این یوم بدیع بوده‌اند و همچنین احزاب مختلفه ارض و چون آفتاب ظهور از سماء مشیت الهی اشراق نمود کل منصعق و مدهوش مشاهده گشتند الا من شاء الله یا ایها الذاکر حجاب اکبر بشر را از مشاهده منع نمود و از شنیدن ندا بازداشت انشاء الله آفاق بنور اتفاق منور شود و در جبین جمیع من علی الارض نقش خاتم الملك لله منطبع گردد از حقیقت حقیّت من یظهر سؤال نمودی سبحان الله این مقام بیان نیاید و اقلام عالم احصای ثنای آن نکند جمیع انبیا و اصفیا بعجز مقررند و جمیع اولیا بتقصیر معترف این مضمار است لا یجول فیه فوارس العرفان و البیان و الادراک و العقول انه لا یعرف بدونه و لا یوصف بسواه احدی باین سرّ مکنون و رمز مخزون احاطه ننموده و نخواهد نمود آنچه ذکر شده بمثابه ظلّ است نزد انوار آفتاب حقیقت ولکن نظر بعنایت کبری و فضل لایحصی باین کلمه علیا قلم اعلیٰ ناطق باین کلمه مبارکه که بمثابه شمس از افق سماء لوح الهی مشرقست ناظر باش فارجعوا الی الآثار یا اولی الابصار اگر نفسی ببصر انصاف در آثار و ظهورات و بیّنات که در این ظهور امع اقدس ظاهر شده تفکر نماید البتّه بکلمه آمنت بک یا مقصود العالمین ناطق گردد آنچه ذکر شد رشحی از بحر حقیقت بود لعمر الله از برای این بحر کران نبوده و نیست و هیچ غواص ماهری بعمق آن نرسیده و اگر ناظر به بیان باشید میفرماید هو الذی ینطق فی کلّ شأن انّی انا الله لا اله الا انا جمیع اسامی که شنیده شد بکلمه این ظهور اعظم خلق شده و میشود تفکر لتعرف و تکون من العارفين مع ذلک اهل بیان این مقامات را انکار نموده‌اند و باوهم متشبّند بمثابه حزب طاغیّه باغیه یسرعون الی الوهم و الظنّ معرضین عن نور الیقین این مظلوم در هنگامی که از سطوت معتدین احدی قادر بر تکلم نبود بر امر قیام نمود و جمیع من علی الارض را بافق اعلیٰ هدایت کرد قسم بافتاب کلمه الهی جمیع بلا یای ارض را محض حیات و اصلاح عالم قبول نمودیم و در سنین متوالیه وارد شد آنچه که اهل فردوس اعلیٰ بنوحه و ندبه قیام نمودند مع ذلک این خلق افسرده پزمرده از نسمة الله و عرف قمیص بحرکت نیامدند قل

سبحانک یا من فی قبضتک ملکوت الأسماء و فی یمینک زمام من فی الانشاء اسألك بهزیز اریاحک فی الفردوس الأعلیٰ و هدیر عندلیبک علی اغصان سدره المنتهی بأن تجعلنی فی کلّ الأحوال قائماً علی امرک و ناطقاً بشنائک و طائراً فی هواء حبّک و عاملاً بما امرتنی به فی کتابک ای ربّ انا الفقیر المحتاج و انت الغنیّ الوهاب ترانی یا الهی قائماً لدی باب فضلک الذی فتحتہ باصبع قدرتک علی وجه من فی ارضک و سمائک اسألك بأن لا تخیبنی عمّا عندک و عرفنی ما اردته بیدائع جودک و الطافک و وقّنی علی الاستقامه علی هذا الأمر الذی به زلت اقدام اکثر خلقک الذین نبذوا میثاقک و اعرضوا عن جمالک و جادلوا بآیاتک و جاحدوا ما ظهر من عندک انت الذی لم یسبک شیء و لم یمنعک امر تفعل ما تشاء و تحکم ما ترید و انت العزیز الفرد الواحد الغالب القادر العلیم الحکیم

این سند از کتابخانه مراجع بهائی دانلود شده است. شما مجاز هستید از متن آن با توجه به مقررات مندرج در سایت www.bahai.org/fa/legal استفاده نمایید.

آخرین ویراستاری: ۶ آوریل ۲۰۲۴، ساعت ۲۰:۰۰ بعد از ظهر